اسباب اختلاف بین مسلمانان؛ بخش هفتم



مـراء (جدال و کشمکش)

حجت الاسلام و المسلمین دکتر احمد شفیعی نیا

جدال یا بگومگو (درگیری لفظی) که بر پایۀ منطق و استدلال استوار نیست، و می‌تواند زمینۀ تفرقه و دشمنی را در میان دو نفر یا دو گروه مجادله‌کننده فراهم سازد؛ از نگاه شریعت اسلامی خصلتی ناپسند و ناسازگار با ایمان برشمرده است. و اگر براساس انصاف و دلیل باشد، جدال احسن نام دارد و ازنظر قرآن تأیید شده است: ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُم بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ[1] مردم را به راه پروردگارت، با حکمت و اندرز نیکو، دعوت کن و با آنان به گونه ای که نیکوتر است، مناظره کن.

قرآن روش های منطقی زدودن عقاید موهوم را از اذهان مردم که دارای این سه ویژگی باشد را می پسندد:

1. حکمت: نخستین روش عملی اسلام برای مبارزه با عقاید نادرست ، تکیه بر برهان و استدلال های عقلی و به تعبیر قرآن، «حکمت» است. حکمت، یعنی کشف حقایق از طریق استدلال های علمی و عقلی است.

2. موعظه: دومین روش عملی اسلام برای مبارزه با عقاید موهوم در کنار برهان، موعظه (اندرز) است. موعظه ، یعنی: سخنان عبرت انگیز و آموزنده ای که عواطف شنونده را برای پذیرفتن حق تحریك می کند. بنا بر این حکمت از طریق عقل و موعظه از طریق عاطفه، انسان را به دور ریختن باورهای نادرست فرا می خوانند. از این رو قرآن «موعظه» را به صفت نیکو و زیبایی (مانند : زیبایی کلام، زیبایی برخورد، زیبایی انگیزه و حتی زیبایی گوینده) مقیّد کرده است؛ زیرا موعظه در تحریك عواطف و احساسات درونی برای پذیرش حق، وقتی مؤثّر است که خالی از هر گونه زشتی (خشونت ، برتری جویی و تحقیر) باشد.

3. مناظره: سومین روش عملی اسلام برای مبارزه با عقاید غیر علمی، در کنار روش های گذشته، مناظره (بحث آزاد) است. در قرآن از این روش با واژه های: جدال احسن: ﴿جَـدِلْهُم بِالَّتِی هِیَ أحْسَنُ﴾؛ و تعبیر دوم مراء ظاهری: ﴿فَلا تُمَارِ فِیهِمْ إِلّا مِرَاءً ظَاهِرًا﴾[2] تعبیر شده است. جدال یا مناظره عبارت است از: بحث و گفتگو به صورت منازعه و غلبه جویی، که به عبارتی، کُشتی گرفتن اندیشه ها در بحث و گفتگو است. قرآن از برخوردهای سالم اندیشه ها در مناظره که موجب روشن شدن حقایق و رشد باورهای صحیح می شود

اسلام که آیین همه انبیای الهی است، بنیان گذار بحث آزاد و برخوردهای سالم اندیشه هاست و پیامبر اسلام ، به عنوان بزرگ ترین پیام آور الهی در عصری که پیروزی و شکست جز در سایه زور میسّر نبود، مسئله مناظره (بحث آزاد) و برخورد سالم اندیشه ها را برای نخستین بار در جامعه آن روز مطرح نمود و خود در این کار پیش قدم بودند.

بر همین اساس اسلام با زور خود را بر مردم تحمیل نکرده، و اگر اسلام از قدرت نظامی استفاده می کند، برای تحمیل عقیده نیست؛ بلکه برای شکستن سدهایی است که مانع رشد باورهای صحیح اند.

روایات شیعی

1. از پیامبراکرم (صلی ا علیه و آله و سلم) نقل شده است: «لا یَستَکمِلُ عَبدٌ حَقِیقَةَ الاِیمَانِ حَتّی یَدَعَ المِراءَ وَ اِن کَانَ مُحِقّاً:[3] هیچ بنده‌ای حقیقت ایمان را به دست نمی‌آورد، مگر آنکه جدال[منفی]را رها کند، هرچند حق با او باشد».

2. امام علی (علیه السلام) فرمود: «ایّاکُم وَ المِراءَ وَ الخُصُومَةَ؛ فَانَّهُمَا یَمرِضَانِ القُلُوبَ عَلَی الاِخوَانِ، وَ یُنبِتُ عَلَیهِمَا النِّفَاقَ:[4] برحذر باشید از جدال و دشمنی؛ زیرا این دو قلب برادران دینی را راجع به هم مریض[بدبین]می‌کند و زمینه رویش نفاق را فراهم می‌سازد».

روایت اهل سنت

ابودرداء، أنس و عده‌ای می‌گویند روزی پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) بر ما می‌گذشت و ما در حال جدال بر سر مسئله‌ای دینی بودیم. آن حضرت این‌گونه با ما برخورد کرد: «پیامبر به‌حدی عصبانی شد که تاکنون این‌گونه دیده نشده بود؛ سپس فرمود: دست نگه دارید ای امت محمد؛ شعله‌های آتش را به جان خود نیندازید؛ سپس فرمود: آیا من شما را به این کار دستور داده‌ام؟ آیا من شما را از این کار نهی نکرده بودم؟ آیا پیشینیان شما به‌خاطر همین کار نابود نشدند؟ در ادامه فرمودند: جدال و بگومگو را به‌خاطر اینکه خیر زیادی ندارد رها کنید؛ زیرا نفعش کم است و دشمنی را در میان دوستان ایجاد می‌کند. بگومگو را رها سازید که از فتنه آن امانی نیست و هیچ حکمتی[روشن‌بینی]را در پی نمی‌آورد. بگومگو را رها سازید که ازنظر اعتقادی شک‌آور است و ازنظر عملی هم نابودکننده عمل است. بگومگو را رها کنید؛ زیرا همین گناه شما را بس که جدلکار به حساب آیید. بگومگو را رها سازید که با ایمان سازگاری ندارد و از آن پرهیز کنید که جدل‌کننده قطعاً به‌تمامی زیان می‌بینند».[5]

پاسخ یک اشکال:

با‌توجه‌به جایگاه خطرآفرین جدال، جای این پرسش باقی است که چرا خداوند در قرآن پیامبرش را به جدال‌کردن با مخالفان دستور می‌دهد؟ البته هرچند این کار را مقید کرده که به‌طریق نیکو انجام شود.

پاسخ اول: خداوند پیامبرش را دستور می‌فرماید تا در قدم نخست با مخالفان از برهان حکیمانه و سخن نیکو استفاده کند و در مرحله پایانی به جدال، آن هم از نوع نیکوترین آن دستور می‌دهد: ﴿ادْعُ إِلی سَبیلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جادِلْهُمْ بِالَّتي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدينَ﴾:[6] با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت نما و با آن‌ها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن. پروردگارت از هرکسی بهتر می‌داند چه کسی از راه او گمراه شده

است و او به هدایت‌یافتگان داناتر است.

پاسخ دوم: اقدام پیامبر اسلام(صلی ا علیه و آله و سلم) به این کار در راستای جو حاکم بر مخاطبان آن حضرت بوده است. علاوه بر اینکه رویّ ما انسان‌ها در برخوردهای میان‌جمعی بیشتر بر جدال‌کردن استوار است تا ارائ برهان حکیمانه و موعظ نیکو؛ چنان‌که قرآن می‌فرماید: وَ لَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِن كُلِّ مَثَلٍ وَ كَانَ الْإِنسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا:[7] در این قرآن برای مردم هرگونه داستان[مثل] را بیان کرده‌ایم؛ ولی آدمی بیش از هر چیز به جدل[درگیری خصمانه] برمی‌خیزد.

با این شرایط، خداوند برای تأثیرگذاری بیشتر سخنان پیامبرش او را به همان روش مخالفان وادار به مقابله می‌کند. ولی ازطرفی چون راه آنان غیرعقلانی و دور از تأیید شرعی است، خداوند با جهت‌دهی صحیح به این روش، در مسیر اصلاح رفتار آنان هم تلاش می‌کند؛ یعنی پیامبر را دستور می‌دهد تا جدال را در حالت احسن (نیکوترین) آن اجرا کرده و از هرگونه بی‌عدالتی و انصاف‌گریزی و باطل‌گرایی دوری کرده و سعی در نیکو برگزار‌کردن آن کند تا پایانی خوب، همراه با دوستی و معرفت را به بار آورد؛ ازاین‌رو قرآن کریم جدال غیراحسن را به‌شدت نکوهش می‌فرماید: وَ قَالُوا أَآلِهَتُنَا خَيْرٌ أَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلًا بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ:[8] و گفتند: آیا خدایان ما بهترند یا او، و این سخن را جز برای جدال با تو نگفتند. بلی، به‌راستی که آنان مردمی ستیزه‌جویند.

قرآن کریم مسلمانان را از هرگونه توهین به مقدسات دیگران نهی می‌کند که نتیج آن حرمت این کار است: وَ لَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ ا فَيَسُبُّوا ا عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ ثُمَّ إِلَى رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ:[9] و دشنام ندهید آنانی را که غیرخدا را می‌خوانند تا دشنام دهند خدا را ستمگرانه به نادانی. بدین‌گونه آراستیم برای هر گروهی کردار ایشان را سپس به‌سوی پروردگار ایشان است بازگشتشان تا آگهی‌شان دهد به آنچه می‌کردند.

[1] . «وَ جادِلْهُمْ بِالَّتي هِيَ أَحْسَنُ: و ای پیامبر با آنان به روش نیکو جدال کن». (نحل: 125).

[2]. کهف: 22.

[3]. ری‌شهری، منتخب میزان الحکمة، رقم5789.

[4]. کلینی، الکافی، ج۲، ص300، ح1.

[5]. (فَغَضَبَ غَضباً شَدِیداً لَم یَغضِب مِثلَهُ، ثُمَّ قَالَ: مَه مَه یا اُمَّةَ مُحَمَّدٍ، لاتَهِیجُوا عَلَی اَنفُسِکُم وَ هِیجَ النَّارِ؛ ثُمَّ قَالَ: أبِهذا اُمِرتُم؟ اَوَلَیسَ عَن هذا نُهِیتُم؟ اَوَ لَیسَ اِنَّمَا هَلَکَ مَن کان قَبلَکُم هذا؟ ثُمَّ قال: ذَرُوا المِراءَ لِقِلَّةِ خَیرِهِ، فَانَّ نَفعَهُ قَلیلٌ وَ یُهَیِّجُ العَداوَةَ بَینَ الاخوانِ. ذَرُوا المِراءَ فَانَّ المِراءَ لاتُؤمَنُ فِتنَتُهُ، وَ لاتُعقَلُ حِکمَتُهُ. ذَرُوا المِراءَ؛ فانَّهُ یُورِثُ الشَّکَ وَ یَحبِطُ العَمَلَ. ذَرُوا المِراءَ فَکَفاکَ اِثماً أن لاتَزالَ مُمارِیاً؛ وَ ذُروا المِراءَ؛ فَانَّ المُؤمِنَ لایُمارِی. ذَرُوا المِراءَ؛ فانَّ المُمَارِیَ قَد تَمَّت خِسارَتُهُ). متقی هندی، کنز العمال، ج۳، ص882، ح9025.

[6]. نحل: 125.

[7]. کهف: ۵۴.

[8]. زخرف: 58.

[9]. انعام: 108.